

# یا فاطمه الزهراء

در منابع تفسیری اهل سنت صدها روایت در شأن اهل بیت، به ویژه حضرت فاطمه (س) آمده، که در جای خود بسیار با ارزش است و برای درک و فهم شخصیت والای دختر یگانه پیامبر گرامی اسلام (ص) نقش کلیدی و اساسی را بازی می کند. یقیناً چشم فلک دختری را با این همه کمالات معنوی و عظمت فوق العاده تا کنون ندیده و نخواهد دید، دختری که حجتی بر حجت های خداوند بوده و مادر یازده امام، کوثر قرآن بوده و علت غایت ختم الرسل...

دختری که محبتش به عنوان اجر رسالت بر همه مسلمین تا قیام قیامت واجب شده و کلام خداوند گواه بر صداقت اوست، و طهارت و عصمت او را قرآن بازگو می کند. دختری که ام ایها، سرور زنان اولین و آخرین و پاره تن پیامبر اکرم (ص) است و معیار شناخت رضا و غضب خداوند عزوجل قرار گرفته است.

اما چه شد پس از رحلت پدرش، بیش از دو ماه و حداکثر شش ماه زنده نمی ماند و ناله های او در این مدت کم، در و دیوار مدینه را به لرزه در می آورد و در سن کوتاه هیجده سالگی در راه دفاع از ولایت و امامت به درجه رفیع شهادت نائل می شود؟ به راستی قلم طاقت نوشتن آن همه مظالم بر این وجود نازنین را ندارد.

محمد یعقوب بشنوی

از دیدگاه امام

در منابع تفسیری، روایی، رجالی و تاریخی اهل سنت صدها روایت در شأن و منزلت حضرت فاطمه (س) دیده می‌شود، که جمع آوری و تدوین و تحلیل آنها، چندین پایان نامه را می‌طلبد.

### روایات نقل شده از فاطمه (س)

در بین روایات وارده در کتب تفسیری اهل سنت که مشتمل بر هزاران روایات تفسیری می‌باشد، تنها یک روایت از حضرت فاطمه (س) وارد شده که مربوط به دعا خواندن هنگام ورود و خروج از مسجد می‌باشد. و آن این است که فاطمه (س) می‌فرمود:

هر زمان که رسول خدا (ص) به مسجد وارد می‌شد بر محمد صلوات می‌فرستاد و می‌گفت: خداوندا مرا پیامرز و درهای رحمت خویش را بر روی من بگشا و چون خارج می‌شد، می‌گفت: خداوندا، مرا پیامرز و درهای فضل خود را بر من گشاده گردان...<sup>۱</sup>

سیوطی (م ۹۱۱ هـ) می‌گوید:

همه احادیثی که فاطمه (س) روایت کرده از ده عدد تجاوز نمی‌کند.<sup>۲</sup> توفیق ابوعلم کلاً ۱۲ روایت را از فاطمه (س) نقل کرده و از این تعداد، سه روایت مانند همین حدیث مذکور است.

این است مظلومیت فاطمه که در کل منابع تفسیری، روایی، رجالی و تاریخی اهل سنت فقط دوازده روایت از ایشان نقل شده است.

طبق نقل برخی دانشمندان اهل سنت حضرت فاطمه (س) ۳۵ سال سن داشت.<sup>۳</sup> با این وجود در تفاسیر اهل سنت تنها یک روایت از آن حضرت نقل شده است، حال آنکه برخی صحابه که تنها یک سال و چند ماه در خدمت پیامبر بوده، از آن حضرت روایات فراوانی را نقل می‌کنند، چنانکه مفکر معروف اهل سنت محمود ابوریه می‌نویسد:

ان ابا هریره روی عن رسول الله ۵۳۷۴، روی البخاری منها ۴۶۶ علی حین انه لم یصاحب النبی (ص) الا عاماً و بضعة شهر؛<sup>۴</sup> ابوهیره از پیامبر ۵۳۷۴ حدیث نقل کرده است که از آن جمله بخاری ۴۴۶ حدیث در کتاب خود آورده است و حال آن که ابوهیره جز یک سال و چند ماه مصاحب پیامبر نبوده است.

## جایگاه فاطمه (س) از نگاه عالمان اهل سنت

دانشمندان اهل سنت سخنان فراوانی در شأن حضرت فاطمه (س) گفته‌اند: در اینجا به نقل مختصری از این سخنان اکتفا می‌شود:

۱. سیوطی: «ما عقیده داریم که برترین زنان عالم، مریم و فاطمه است».<sup>۵</sup>  
۲. آلوسی: «ان فاطمة البتول افضل نساء المتقدمات و المتأخرات» با این حدیث  
افضلیت فاطمه (س) بر تمام زنان ثابت می‌شود زیرا او، روح و روان رسول خدا (س)  
می‌باشد، از این رو بر عایشه نیز برتری می‌یابد».<sup>۶</sup>

۳. سهیلی: وی بعد از نقل حدیث معروف «فاطمه بضعة منی» می‌گوید: «من  
هیچ کس را مساوی با بضعة رسول الله نمی‌دانم».<sup>۷</sup>

۴. ابن الجکنی: «بنا بر قول صحیح‌تر، فاطمه از همه زنان افضل است».<sup>۸</sup>  
۵. شنقیطی: «همانا سروری فاطمه زهرا، از جانب دین اسلام یک امر واضح و  
روشن است و بر کسی پوشیده نیست، برای اینکه وی پاره‌تن پیامبر می‌باشد و آن  
چیزی که زهرا را آزار دهد پیامبر را می‌آزارد و آن چه که زهرا را ناراحت کند پیامبر را  
ناراحت می‌کند».

همان طوری که در حدیث صحیح از پیامبر نقل شده و هر دو حدیث از مسوربن  
مخرمه آمده و گفته است: شنیدم از رسول خدا که بالای منبر بود و می‌فرمود:  
فاطمه پاره‌تن من است. آن که فاطمه را آزار دهد مرا آزار می‌دهد و آن که او را  
ناراحت کند مرا ناراحت می‌کند».<sup>۹</sup>

۶. توفیق ابو علم: «در عظمت شأن و رفعت مقام ارجمند او، همین بس که تنها  
دختر بزرگوار پیامبر بزرگ (س) و همسر گرامی امام علی بن ابی طالب - کرم الله  
وجهه - و مادر حسن و حسین است. زهرا، همان بانویی که میلیون‌ها آدمی را چشم  
و دل، به سوی اوست و نام گرامیش بر زبان ایشان است».

زهرا، آن شهاب نورافشان آسمان نبوت و اختر فروزان فلک رسالت و بالاخره،  
آن والاترین بانوی آفرینش. اما همه این تعبیرات، جز بخشی اندک، از دنیای  
فضیلت و شرافت او را آینه‌داری نمی‌کند و جز مختصری از فضایل و مناقب او  
را نمایشگر نیست».<sup>۱۰</sup>

## جایگاه فاطمه (س) در آیات

در منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت تقریباً به صد و سی و پنج آیه، در چهل و نه سوره درباره حضرت فاطمه (س) دست یافتیم. البته این تعداد غیر از آیاتی است که در منابع شیعه ذکر شده است. دو سوره دهر و کوثر هم در شأن فاطمه (س) نازل شده است. نگارنده همه این آیات و سوره نازله در حق آن حضرت را در چهار دسته سبب نزول، شأن نزول، جری و تطبیق و بطن تقسیم نموده است.<sup>۱۱</sup>

این مقاله به خاطر اختصار تنها آیه تطهیر را از دیدگاه اهل سنت مورد نقد و بررسی قرار داده و شبهات مطرح شده طبق معیارهای علمی اهل سنت و از کتاب‌های معتبر آنها را پاسخ داده است.

## آیه تطهیر

إنما یرید اللہ لیزہب عنکم الرجس أہل البیت و ینظہرکم تطہیرا. (احزاب، ۳۳/۳۳) جز این نیست که خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را برآستی پاک سازد. در منابع متعدد و معتبر اهل سنت بیش از سی و یک نفر راوی از صحابه و أمهات مؤمنان در ضمن صدها روایات، آیه تطهیر را در حق اصحاب کساء دانسته‌اند. بسیاری از بزرگان تفسیری اهل سنت همچون فخر رازی<sup>۱۲</sup> نیشابوری<sup>۱۳</sup> و ابوبکر نقاش<sup>۱۴</sup> ادعای اجماع و اتفاق اهل تفسیر و حدیث بر صحت حدیث کساء نموده و ابوبکر حضرمی ادعای اجماع امت بر اهل بیت بودن اصحاب کساء نموده است.<sup>۱۵</sup>

سبب نزول در منابع معتبر اهل سنت

سبب نزول آیه را همان جمع شده پنج تن پاک زیر کساء دانسته که در این مقاله بخاطر اختصار فقط به یک روایت اکتفا می‌شود.

از عبدالله بن جعفر روایت شده است:

هنگامی که رسول خدا (ص) به رحمت الهی که از آسمان فرود می‌آمد نظر کرد فرمود: «برایم فرا خوانید، برایم فرا خوانید. صفیه گفت: یا رسول الله چه کسی را فرا خوانیم؟ فرمود: اهل بیتم را، علی، فاطمه، حسن و حسین را پس از اینکه آنان را آوردند، پیامبر (ص) کساء خویش را بر آنان افکند. سپس دست‌های خویش را

بلند کرد و فرمود: خدایا اینان خاندان منند. بر محمد و خاندان او درود فرست و خداوند آیه «انما یرید الله...» را نازل فرمود.

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) سپس می گوید: «هذا حدیث صحیح الاسناد»<sup>۱۶</sup> این حدیث صحیح السند است.

همین طور چندین روایات دیگر از صحابه همچون عمر بن ابی سلمه<sup>۱۷</sup> ابو سعید خدری<sup>۱۸</sup> و دیگران نقل شده که آیه تطهیر در خانه ام سلمه در شأن پنج تن نازل شده است. از این روایات به دست می آید که این آیه مختص به اصحاب کساء است و آنان سبب نزول آن شده اند. به علاوه قراین متصل و منفصل خود روایات سبب نزول، دیگران را از دخول در اهل بیت خارج می کند.

### سیره عملی پیامبر (ص) پس از نزول آیه

برای فهم مصداق اهل بیت، بسیار حیاتی است که سیره عملی پیامبر پس از نزول آیه، مورد مطالعه قرار گیرد. در این مقاله نمونه هایی را ذکر می کنیم.

#### ۱. روایت ابن عباس:

ابن عباس گفت:

شهدنا رسول الله (ص) تسعة اشهر یأتی کل یوم باب علی بن ابیطالب عند وقت کل صلاة فیقول: السلام علیکم ورحمة الله انما یرید الله انما لیدهب عنکم الرجس أهل البيت و یطهرکم تطهیرا الصلاة یرحمکم الله کل یوم خمس مرات؛<sup>۱۹</sup> من شاهد بودم که رسول خدا (ص) ۹ ماه تمام هر روز به وقت هر نمازی در خانه علی بن ابی طالب می آمد و می فرمود: درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت گرامی باد «انما یرید الله لیدهب عنکم الرجس أهل البيت و یطهرکم تطهیرا» نماز، و این عمل را پیامبر هر روز پنج بار تکرار می کرد.

وی یکی از شاهدان عینی در این مورد است که با چشمان خود پیامبر را هر روز بر درب خانه علی و فاطمه می دید و از گوش خود تطبیق آیه را بر آنان می شنید.

#### ۲. روایت انس بن مالک:

این صحابی گرانقدر یکی دیگر از شاهدان عینی و گواه بر سیره عملی پیامبر در حق

علی و فاطمه است و می گوید :

ان النبی (ص) کان یمر ببیت فاطمه ستة اشهر کلها خرج الی الصلاة فیقول : الصلاة اهل البیت «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»؛<sup>۲۰</sup> بی شک همانا پیامبر (ص) به مدت شش ماه هر روز هنگام نماز از درب خانه فاطمه می گذشت و می فرمود : نماز ای اهل بیت ! إنما یرید الله عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا .

از او ۶ ماه هنگام نماز صبح چنین عملی هم روایت شده .<sup>۲۱</sup> حاکم حسکانی همین روایت انس را از طریق مختلف آورده است .

۳ . ابی برزه می گوید :

هفده ماه همراه رسول خدا نماز خواندم هنگام خروج برای نماز به در خانه فاطمه می آمد و می فرمود : «الصلاة علیکم» سلام و درود پیوسته بر شما باد «أنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» .<sup>۲۲</sup> وی هم بازگو کننده سیره عملی پیامبر پس از نزول آیه در شأن اهل بیت است که پیامبر هفده ماه تمام به در خانه فاطمه می آمد و اهل بیت را به فاطمه تطبیق می داد .

۴ . ابی الحمراء می گوید :

هشت ماه تمام را از رسول خدا (ص) در مدینه به خاطر سپردم که هیچ گاه برای نماز صبح خارج نمی شد مگر آنکه به درب خانه علی می آمد و دستانش را بر دو سوی درب می نهاد و می فرمود : نماز! نماز! «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» .<sup>۲۳</sup>

از وی تکرار این عمل به مدت یکماه<sup>۲۴</sup> ، شش ماه<sup>۲۵</sup> ، هفت ماه ، هفت ماه وقت نماز صبح ، نه ماه ،<sup>۲۶</sup> و ده ماه<sup>۲۷</sup> ذکر شده است . همچنین در برخی روایات اهل سنت این عمل پیامبر گرامی اسلام (ص) در مطلق نماز هم ذکر شده است .<sup>۲۸</sup>

۵ . صحابی معروف پیامبر ابوسعید خدری می گفت :

رسول خدا (ص) چهل روز به درب خانه فاطمه می آمد و می فرمود : سلام بر شما اهل بیت باد و رحمت و برکات خدا نیز ، خدا رحمتتان کند ، نماز ، «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» ، من با هر که دشمنی کنید

دشمنم، من با هر که دوستی کنید دوستم. ۲۹

قابل توجه این است که آن حضرت (ص) پس از نزول آیه، قولاً و عملاً به امت نشان داده که مصداق اهل بیت در آیه تطهیر فقط فاطمه (س) است و همسرش و فرزندانش. این عمل پیامبر طبق برخی روایات اهل سنت در مطلق نماز یعنی وقت نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا در هر روز تکرار می شد و به مدت هفده ماه تمام ادامه می یافت. از این طریق پیامبر (ص) آیه تطهیر را عملاً تفسیر نمود تا کسی بعداً به شک و تردید مبتلا نشود. جمله اخیر در حدیث ابوسعید خدری هم قابل دقت است که در آن پیامبر (ص)، دوستی و دشمنی خودش را به دوستی و دشمنی فاطمه (س) منوط و مشروط می کند و از این طریق عصمت فاطمه و خانواده اش را به امت تفهیم می کند.

### خروج ازواج توسط پیامبر (ص)

در بحث گذشته روشن شد که پیامبر (ص) عملاً آیه را تفسیر نمود و اصرار عجیبی بر تطبیق اهل بیت به فاطمه و خانواده اش نشان داد. در این بخش نمونه هایی را ذکر می کنیم که پیامبر از دواج را از مصداق اهل بیت اخراج می کند. طبق روایات، داستان اصحاب کساء بارها تکرار شده و این اتفاق به خانه ام سلمه، عایشه، ام سلیم، زینب و صفیه از همسران و در منزل دختر آن حضرت فاطمه (س) اتفاق افتاده است و نیز در وقت مباحله با نصاری نجران هم چنین اتفاقی افتاده است. وقتی که پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) همراه امیرالمؤمنین حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام حسین (ع) زیر کساء رفتند و سپس آیه تطهیر نازل شد و پیامبر اهل بیت خودش را منحصر کرد در اصحاب کساء، در این هنگام با دیدن این همه فضیلت برخی زنان که شاهد این ماجرا بودند آرزو کردند که در زمره اهل بیت پیامبر (ص)، آنها را هم جا بدهد. اما آن حضرت هیچ کدام از زن های خودش را اجازه ورود در زیر کساء ندادند و با آنها برخورد عجیبی نمودند.

و این برخورد آن حضرت (ص) سند مهم و تفسیر عملی آیه است که به همه روشن می کند که مراد از اهل بیت فقط اصحاب کساء هستند. آن هم در داخل خانه همسران، باز هم چادر مخصوصی می پوشاند تا کسی نگوید این عمل در خانه فلان همسر صورت

گرفته و او هم جز اهل بیت است! شاید بخاطر همین بوده که آن حضرت در داخل خانه باز هم آنها را زیر کساء می‌برند و اطراف کساء را محکم می‌گیرد و از خداوند دوام و استمرار این اذهاب رجس و طهارت را خواستار می‌شود. اکنون چند نمونه از این برخورد را می‌آورم.

۱. از ام سلمه چندین روایت با مضامین مختلفی درباره برخورد پیامبر با خودش آمده است. وی پس از ماجرای کساء می‌گوید:

فقلت يا رسول الله انا من اهل البيت؟ فقال: «ان لك عند الله خير فوددت انه قال نعم. فكان احب الي مما تطلع عليه الشمس و تغرب!»<sup>۳۰</sup> من گفتم ای پیامبر خدا من از اهل بیت هستم؟ فرمود: برای تو نزد خداوند نیکی است، دوست داشتم آن حضرت می‌فرمود: آری و این برایم از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند بهتر بود. اما آن حضرت او را داخل در اهل بیت<sup>(ع)</sup> ندانست.

۲. ام سلمه می‌گوید:

من بر درب خانه نشسته بودم، من گفتم: من هم ای رسول خدا از اهل بیت نیستم؟ فرمود: «انك الي خير انت من ازواج النبي»<sup>۳۱</sup> تو بر نیکی هستی، تو از ازواج نبی هستی! در این روایت ازواج را خود آن حضرت<sup>(ص)</sup> از اهل بیت<sup>(ع)</sup> جدا دانسته است.<sup>۳۲</sup>

۳. عایشه می‌گوید:

بی شک من، علی، فاطمه، حسن و حسین را دیدم و رسول خدا اینان را در زیر پارچه‌ای جمع نمود سپس فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بيتي و حامتي فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا قالت: فقلت: يا رسول الله و انا من اهلک؟ قال: تنحی فانك الي خير»<sup>۳۳</sup>.

این روایت را مجمع از عایشه نقل نموده باز هم آن حضرت<sup>(ص)</sup> برخوردی مانند ام سلمه با عایشه نموده و در جواب عایشه فرموده دور شو تو بر خیر هستی.

۴. از عایشه باز هم آمده که در جریان ماجرای کساء از آن حضرت سؤال می‌کند: «یا رسول الله الست من اهلک؟ قال: انك لعلى خير لم يدخلني معهم!»<sup>۳۴</sup> «یا رسول الله من از اهل شما نیستم؟ فرمود: تو بر نیکی می‌باشی، ولی مرا با آنان (اصحاب کساء) داخل نساخت.»



۵. ام سلیم داستان کساء و نزول آیه تطهیر را در خانه اش ذکر می کند سپس می گوید: «انا معکم یا رسول الله (ص)؟ قال: انک الی خیر!» ۳۵. ام سلیم گوید: «ای رسول خدا (ص) من هم با شما هستم؟ فرمود: تو به سوی نیکی هستی، تو به سوی نیکی هستی».

۶. از زینب هم در جریان کساء که در خانه او آیه تطهیر نازل شده است در جریان آن زینب از رسول خدا (ص) سؤال می کند «انا یا رسول الله انا ادخل معک». ۳۶. در جریان دیگر، زینب پس از نزول آیه و جریان کساء گفت: یا رسول الله انا ادخل معک؟ فقال رسول الله (ص): مکانک فانک الی خیر ان شاء الله. ۳۷.

۷. از صفیه هم نقل شده که هنگامی که رسول خدا (ص) به رحمت الهی - که از آسمان فرود می آمد - نظر کرد فرمود: برایم فراخوانید، برایم فراخوانید. اهل بیت را، علی، فاطمه، حسن و حسین را، سپس داستان کساء را بیان می کند و نزول آیه و دعا پیامبر را. این حدیث را حاکم صحیح قرار می دهد. ۳۸.

با توجه به این عبارات بکار برده و به این رفتار پیامبر (ص) با زنان خود برای هیچ عاقلی شکی باقی نمی ماند که زنان به هیچ عنوان داخل در اهل بیت نیستند و این روایات صحیح السند هم هستند. چنانکه گذشت، به اضافه در روایتی فرمود: «فاطمه تو اولین کسی هستی که از اهل بیت به من می پیوندی و زینب اولین فرد از همسرانم است که به من ملحق می شود». ۳۹. از سیره عملی پیامبر و خروج زنان توسط آن حضرت به دست می آید که پیامبر (ص) با چه شدتی از حریم اهل بیت نبوت دفاع می کند و هیچ کس از زنان خود را اجازه ورود به داخل کساء نمی دهد.

روایتی که ام سلمه را از اهل بیت دانسته اند:

ابوکریب روایت می کند که گفت: به ما خبر داد خالد بن مخلد و گفت: به ما خبر داد موسی بن یعقوب و گفت: به ما خبر داد هاشم بن هاشم ابن عتبہ ابن ابی وقاص از عبدالله بن وهب بن زمعه او گفت: به ما خبر داد ام سلمه که پیامبر خدا (ص) علی و حسین را جمع نمود سپس آنها را در زیر پارچه ای داخل کرد سپس فرمود: «هؤلا اهل بیتی» پس ام سلمه گفت: مرا با آنان داخل می کنی ای پیامبر خدا؟ فرمود: انک من اهلی. ۴۰.

برخی در مقابل روایات متواتر، صحیح و همچنین سیره عملی پیامبر و خروج زنان

توسط پیامبر از اهل بیت هیچ توجهی نمی دهند و احياناً به برخی روایات مرسل و ضعیف تمسک می جویند و همه تلاششان این انحصار در حق اصحاب کساء است.

### نقد و بررسی

در سند این روایت خالد بن مخلد و موسی بن یعقوب قرار دارند که هر دو را رجالیان معروف اهل سنت ضعیف قرار داده اند.

خالد بن مخلد قطوانی ابو هیثم البجلی :

عبدالله بن احمد از پدرش احمد بن حنبل نقل می کند که وی دارای احادیث غیر قابل قبولی است. ابن سعد هم گفته وی منکر الحدیث است.

ساجی و عقیلی او را در فهرست ضعفاء آورده اند. ۴۱

موسی بن یعقوب بن عبدالله بن وهب بن زمه :

علی بن مدینی می گوید: احادیث او ضعیف و غیر قابل قبول است. ۴۲

نسائی گفته است: احادیث او قوی نیست.

اثرم گوید: از احمد بن حنبل درباره وی پرسیدم، وی را تأیید نکرد. ۴۳

با توجه به این گفته های رجالی این روایت ضعیف است و توان مقابله با آن همه احادیث صریح و صحیح و متواتر را ندارد. به علاوه نقائصی در خود متن حدیث هم است. بنابر فرض صحت، ام سلمه را از اهل بیت ندانسته بلکه از اهل دانسته یعنی تراز اهل بیت نیستی از اهل هستی. چون که در آیه مراد از اهل بیت، اهل بیت نبوت است و در اهل بیت نبوت جز مطهرون کسی راه ندارد.

این روایات را شعیب الارنؤوط ۴۴ و حمزه احمد الزین ۴۵ هم ضعیف می دانند.

### روایت واثله :

واثله پس از جریان داستان کساء می گوید: از گوشه خانه گفتم: ای رسول خدا من هم از اهل تو هستم؟ فرمود: «و انت من اهلی». ۴۶ و این آرزوی من بود که برآورده شد! در روایت دیگری از واثله نقل شده... گفتم ای رسول خدا من؟ فرمود: و تو. واثله

گفت: به خدا سوگند این با ارزش ترین چیزی بود که من می خواستم. ۴۷

همین حدیث در منابع دیگر ۴۸ بدون زیادی نقل شده است.

وائله پس از رحلت پیامبر به شام رفت و در آنجا مقیم شد تا در ایام خلافت عبدالملک مروان در سن یکصد و پنجاه سالگی در گذشت. ۴۹

از قول وائله احادیث زیادی در مدح معاویه نقل شده است به عنوان نمونه: از وائله از پیامبر نقل شده است: «الامناء عندالله ثلاثة انا و جبرئیل و معاویه». نسائی و ابن حبان می گویند: این حدیث باطل و ساختگی است. ۵۰

### نقد و بررسی

در سند این دو روایت که وائله را به نحوی از اهل پیامبر معرفی کرده، شداد ابوعمار آمده است. وی غلام معاویه بن ابی سفیان بوده است چنانکه بخاری گفته است. ۵۱

وی از دانشمندان اهل بیت عصمت و طهارت بوده است. شداد با گروهی دیگر به علی (ع) دشنام می داد که خود وائله او را منع کرد. شداد در جواب وائله می گوید: «آنها علی را دشنام دادند، من هم علی را دشنام دادم!». ۵۲

لذا این دو روایت با همه آن روایات متواتر و صحیح در تعارض است و این روایت بخاطر شداد، ضعیف و از اعتبار ساقط است. توجه به این نکته هم لازم است که وقتی همسران پیامبر توسط خود پیامبر از اهل بیت خارج شدند، دیگر مجالی برای وائله دشمن امام علی (ع) و امثال او نمی ماند.

این روایت با آن همه ضعف سندی، شدت دشمنی جعل کنندگان را هم با خاندان پیامبر می رساند، و همچنین خروج زنان توسط خود شخص پیامبر (ص) از مصداق اهل بیت، برخی سعی دارند اصحاب کساء را اصلاً از آیه تطهیر دور نگهدارند و آن همه سفارشات قولی و عملی پیامبر را زیر پا بگذارند و صدها روایات منقول از آن حضرت را نادیده بگیرند و با تمسک به چند روایت جعلی، خفیف و مرسل آیه تطهیر را تنها مختص به زنان پیامبر کنند.

دلیل این دسته چند روایات است:

#### ۱. روایت ابن عباس:

از طریق عکرمه از ابن عباس در مورد آیه تطهیر آمده است که ابن عباس گفت: «آیه تطهیر) در مورد زنان پیامبر (ص) به طور اختصاصی نازل شده است». ۵۳

## ۲. روایت عکرمة :

عکرمة می گوید: «آیه تطهیر درباره زنان پیامبر (ص) نازل شده است و در این باره هر کس بخوهد مباحله می کنم». ۵۴ از طریق علقمه روایت شده که عکرمة در بازار صدای زد که آیه درباره خصوص زنان نازل شده است. ۵۵

## ۳. روایت عروة بن زبیر :

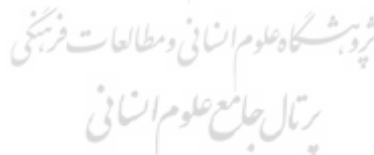
«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت» عروه گفت: یعنی زنان پیامبر (ص) و در خانه عائشه نازل شد. ۵۶

## ۴. روایت سعید بن جبیر :

واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ هـ) روایت را این گونه نقل کرده است: از ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد سراج نقل شده که گفت: خبر داد مرا محمد بن یعقوب و گفت: خبر داد ما را حسن بن علی بن عفان که خبر داد ما را ابو یحیی الحمانی از قول صالح بن موسی القریشی از قول خصیف از قول سعید بن جبیر از قول ابن عباس که گفت: آیه تطهیر درباره زنان پیامبر (ص) نازل شده است. ۵۷

## ۵. روایت مقاتل بن سلیمان :

مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ هـ. ق) می گوید: «اهل البیت یعنی نساء النبی (ص) لأنهن فی بیته!». ۵۸ «اهل بیت در آیه تطهیر همان همسران پیامبر (ص) هستند زیرا زنان در خانه اش هستند!». ۵۹



## نقد و بررسی روایت ها

### نقد و بررسی روایت ابن عباس و عکرمة

این روایت از طریق عکرمة از ابن عباس نقل شده است و درباره عکرمة دو احتمال است: احتمال اول: عکرمة فرد خوبی بوده و روایت را به دروغ به او بسته اند. ۵۹ احتمال دوم: اولاً روایت ابن عباس از طریق عکرمة نقل شده است و اصحاب رجال درباره او نظراتی دارند که ملاحظه می شود. عکرمة غلام ابن عباس متهم به رای خوارج است. مسلم و امام مالک از او اجتناب و اعراض کرده اند.

یحیی بن سعید الانصاری درباره او گفت: کذاب.

ابن المسیب به غلامش برد گفت: «لا تکذب علی کما کذب عکرمة علی ابن عباس» همین قول از ابن عمر هم نقل شده است.

علی بن عبدالله پسر ابن عباس درباره او گفت: «ان هذا الخبیث یکذب علی ابی». ابن ابی ذئب می گفت: «رایت عکرمة و کان غیر ثقة». محمد بن سعد: «و لیس یحتج بحدیثه».

ابن مدینی از یعقوب حضرمی از جدش نقل کرده که گفت: عکرمة جلوی درب مسجد ایستاد و گفت: ما فیہ الا کافر.

بزرگانی همچون یحیی بن بکیر، ابن المدینی، مصعب الزبیری، علی بن عباس احمد بن حنبل و عطاء بن ابی رباح و غیره معتقدند که او هم عقیده خوارج بوده است.

خالد بن خدّاش می گوید: «حماد بن زید را در روزی که او از دنیا رفت دیدم که گفت: برای شما کلامی را نقل می کنم که قبل از این هرگز نگفته ام و من کراهت دارم که با خدا ملاقات کنم و آن را نگویم. از ایوب شنیدم که از عکرمة حرف می زد گفت: عکرمة گفت: انما انزل الله متشابها القرآن لیضل به. سلیمان بن معبد السنجی روایت کرد که: عکرمة و کثیر در یک روز مردند مردم در جنازه کثیر شرکت کردند اما جنازه عکرمة را رها کردند». ۶۰ یحیی البکاء گفت: از ابن عمر شنیدم به نافع می گفت: «اتق الله ویحک یا نافع و

لا تکذب علی کما کذب عکرمة علی ابن عباس». ۶۱

ابو عبدالله گفت: «عکرمة مضطرب الحدیث». ۶۲

پس بنابراین نمی شود به این روایتی که عکرمة آن را نقل کرده اعتماد کرد. به علاوه برخی از مفسران اهل سنت این روایت ابن عباس را صحیح نمی دانند.

ثانیاً: درمقابل این روایت، روایتی از حیث سند محکم تر از ابن عباس رسیده که در آن آیه تطهیر را مختص به اصحاب کساء کرده است و حاکم آن حدیث را صحیح دانسته و حافظ ذهبی هم صحیح می داند. ۶۳ به علاوه از ابن عباس روایت دیگری نقل شده که در آن او از آیه تطهیر در حق اصحاب کساء (ص) حتی احتجاج نموده است. ۶۴ ده ها روایات معتبر دیگر هم با این روایت تعارض دارند، و از همه مهم تر این که روایت هیچ انتسابی با پیامبر ندارد، بنابراین این قول صحابی است نه حدیث پیامبر.

### نقد و بررسی روایت عکرمة :

معلوم شد که عکرمة متهم به دروغگویی و نسبت دروغ به ابن عباس می داده است ، لذا به روایت او اعتنایی نمی شد به علاوه او روایت را از پیامبر (ص) نقل نکرده است بلکه خود در بازار صدا می زد که آیه درباره زنان است و این گفتار او اجتهاد در مقابل نص و مردود است .

زیرا عکرمة از تابعین بوده و وقت نزول آیه به دنیا نیامده و چنین کسی چگونه می تواند ادعا کند که آیه مختص به زنان است؟ لذا به گفته او اعتمادی نیست . در مقابل این اجتهاد عکرمة دهها روایات صحیح السند از صحابه و اهل البیت روایت شده که همه بر منحصر بودن آیه درباره اصحاب کساء حکایت دارند .

### نقد و بررسی روایت عروة بن زبیر :

عروة بن زبیر روایات زشتی را درباره امام علی (ع) دارد . ابن ابی الحدید معتزلی می گوید : شیخ ما ابو جعفر اسکافی (م ۲۴۰ هـ) می گوید :

معاویه گروهی از صحابه و گروهی از تابعین را وادار کرد که اخبار زشتی را درباره علی که مقتضی طعن و تبری از او باشد جعل کنند و برای ایشان پاداشی مقرر داشت که قابل توجه بود و آنان چیزهایی که او را راضی کند ساختند . از جمله اصحاب ابوهریره ، عمرو عاص ، و مغیره بن شعبه هستند و از تابعین عروة بن زبیر است .

زهري نقل می کند که عروة بن زبیر می گفته است :

عایشه برایم نقل کرد که در خدمت پیامبر بودم در این هنگام عباس و علی آمدند پیامبر فرمود : ای عایشه ! این دو بر ملتی غیر ملت من یا غیر دین من خواهند مرد ! اسکافی (م ۲۴۰ هـ) می گوید :

روایات مکرر رسیده است که عروة بن زبیر هر گاه از علی یاد می کرد از شدت خشم پره های بینی او تکان می خورد و دست بر هم می زد و به علی دشنام می داد . ۶۵

شخصی که زر خرید معاویه بود و روایات متعددی درباره امام علی (ع) جعل کرد و پیوسته به امام علی (ع) دشنام می داد . آیا روایت چنین شخصی ارزشی دارد؟ گفته های او

اجتهاد در مقابل نص است و زیر پا گذاشتن ده‌ها روایات معتبر و صحیح که همگی تأکید فراوان و عجیبی بر مصداق بودن اصحاب کساء از آیه دارند. تنها حاکم حسکانی با بیش از ۱۳۸ طریق آنها را آورده است. عروه از تابعین است و او نمی‌تواند شان نزول آیه را بیان کند. وی در فضیلت تراشی اش برای خاله اش عایشه گفته آیه تطهیر در خانه وی نازل شده در حالی که خود عایشه این ادعای او را قبول ندارد. بلکه آیه تطهیر را منحصر در حق اصحاب کساء می‌داند. <sup>۶۶</sup> به علاوه وی از تابعین است، در وقت نزول آیه در دنیا نبوده و چگونه چنین شخصی ادعای نزول آیه می‌کند!

نقد و بررسی روایت سعید بن جبیر:

سعید بن جبیر این روایت را از طریق عکرمه گرفته چنانکه ابن مردویه آن را نقل کرده است. در طریق این روایت ابو یحیی الحمانی آمده است. اکنون نمونه‌ای از اقوال رجالیان را درباره وی متذکر می‌شویم.

ابو یحیی الحمانی (عبد الحمید) عجللی می‌گوید: وی کوفی و ضعیف الحدیث و پیرو مکتب مرجئه بوده است. ابن معین می‌گوید: وی ثقه ولی ضعیف العقل بود.

ابن سعد و احمد وی را ضعیف شمرده‌اند. <sup>۶۷</sup> نسائی گفته: وی قوی نیست. <sup>۶۸</sup>

خصیف (بن عبدالرحمن الجزری): احمد بن حنبل گفته او ضعیف الحدیث است

باز هم از او نقل شده روایت او حجت نیست او در حدیث قوی نبوده است. <sup>۶۹</sup>

مدنی می‌گوید: یحیی بن سعید وی را ضعیف شمرده است. ابن معین می‌گوید: ما از احادیث خصیف پرهیز می‌کردیم ابن خزیمه می‌گفت: حدیث خصیف قابل احتجاج نیست. ابو احمد حاکم گفته: حدیث وی قوی نیست. <sup>۷۰</sup> بنابراین نمی‌شود در مقابل دهها روایت صحیح و معتبر که همگی آیه تطهیر را در شأن اصحاب کساء دانسته، به این روایت ضعیف تمسک کرد که هیچ انتسابی هم به پیامبر اکرم (ص) ندارد.

نقد و بررسی روایت مقاتل بن سلیمان:

بسیاری از دانشمندان رجالیان معروف اهل سنت مقاتل بن سلیمان را کذب خوانده‌اند از جمله عمر و بن علی، نسائی، ابوحاتم بن حبان، زکریا بن یحیی ساجی، نعیم بن حماد، وکیع بن جراح <sup>۷۱</sup> و جوزجانی <sup>۷۲</sup> و غیره از کسانی هستند که وی را مورد عتاب قرار داده و بر دروغگو و کذاب بودن او تصریح کرده‌اند.

نسائی می گوید: دروغگویان شناخته شده که احادیث ساختگی به پیامبر نسبت می دادند چهار نفر هستند: ابن ابی یحیی در مدینه، واقدی در بغداد، مقاتل در خراسان و محمد بن سعید در شام. ۷۳

خارجہ بن مصعب نیز می گفت: جہم و مقاتل نزد ما فاسق و فاجر هستند و من خون هیچ یهودی و کافر ذمی را حلال نمی دانم، ولی اگر بر مقاتل دست می یافتم و کسی مرا نمی دید هر آیینہ او را می کشتم. ۷۴ وی در مکہ دعوی سلونی کرد مردی برخاست و پرسید: بہ من بگو: رودہ های مورچہ کجاست؟ مقاتل ساکت شد. ۷۵ بخاری وی را منکر الحدیث می دانست. ۷۶

وی کہ در وقت شأن نزول موجود نبودہ و هیچ حرفی را ہم از روایات فراوان معتبر و صحیح نمی زند و خودش مصداق اہل بیت را تعیین می کند. این کار او اجتہاد در مقابل نص است و حرف او هیچ دلیلی ندارد و محض نقل یک قول است. قول وی هیچ حجیتی ندارد و در مقابل دہها روایات صحیح از صحابہ و اہل بیت قرار گرفته است. او در مفهوم اہل بیت با شیطنت می گوید: اہل بیت زنان پیامبر هستند زیرا آنها در خانہ پیامبر بودند، حال آن کہ آن ہمہ روایات متعدد اہل بیت را منحصر در اصحاب کساء می دانند و بس، از زنان پیامبر ہم هیچ کس نگفتہ است کہ این آیہ دربارہ ما است، اگر در واقع چنین می بود آنان ہر جا افتخار می کردند.

جالب این است کہ در ہمہ این روایات هیچ استنادی با رسول خدا (ص) نشدہ است. زنان از اہل بیت پیامبر بہ معنای خاصی کہ این آیہ و احادیث معتبر دیگر حکایت دارند نیستند. اینجا دلیل خاص است کہ زنان را از دائرہ اہل بیت خارج می کند و آن دلیل، صدها احادیث معتبر در این زمینہ است.

بزرگانی همچون ابن حیان اندلسی (م ۷۴۵ھ) ۷۷ کلبی ۷۸، ابن کثیر (م ۷۷۴ھ) ۷۹ و مودودی<sup>۸۰</sup> و غیرہ، این نظریہ مختص بودن آیہ تطہیر بہ زنان را ضعیف می دانند. از زید بن ارقم پرسید: «اہل بیت پیامبر کیانند؟ آیا ہمسران آن حضرت؟ گفت: نہ بہ خدا سوگند، کہ در دورانی از روزگار با مرد است، سپس طلاقش گوید و او بہ سوی پدر و خویشانش باز می گردد. اہل بیت پیامبر (ص) اصل و ریشہ و خویشان نسبی اویند، کسانی کہ بعد از پیامبر صدقہ برآنان حرام شدہ است» ۸۱



باز هم برای اطمینان خاطر برخی، ما شواهد قرآنی، روایی و تاریخی را برای اثبات این مطلب که آیه تطهیر تنها مختص اصحاب کساء است یادآور می‌شویم.

## الف) شواهد قرآنی

۱. نگاهی به سبب نزول آیات زنان:

گره اصلی این همه بحث‌ها درباره آیه تطهیر، با توجه به شأن نزول آیات زنان و آیه تطهیر باز می‌شود. آیه تطهیر با آیات زنان کاملاً جداگانه نازل شده است و هر دو سبب نزول مستقلی دارد.

متأسفانه نویسندگان و محققان فریقین بدون توجه به شأن نزول و سبب نزول این دو دسته از آیات، به بحث‌های مختلفی پرداخته‌اند همانطور که از روایات صحیح‌السند از چندین صحابه کرام و امهات المؤمنین معلوم شد که آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء(ع) نازل شده است و کس دیگری در آن شریک نیست. آیات مربوط به زنان کاملاً این حقیقت را روشن می‌کند که این آیات در پی برخی ناهنجاری‌های سرزده از برخی زنان پیامبر نازل شده و در مورد سرزنش و عتاب آن زنان است. این آیات به زنان پیامبر هشدار جدی درباره عواقب آنان در قبیل چنین رفتارهایی را گوشزد می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأزْوَاجِكِ إِن كُنْتُن تَرَدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْن أُمْتَعِكُن وَأَسْرَحِكُن سِرَاحًا جَمِيلًا. وَإِن كُنْتُن تَرَدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنْ أَجْرًا عَظِيمًا. (احزاب، ۳۳-۲۸-۲۹)

طبری گوید:

این آیه بر پیامبر(ص) نازل شد به خاطر اینکه عائشه از رسول خدا(ص) چیزی را خواسته بود از عرض دنیا. نفقه را زیاد کند یا چیز دیگر. پیامبر یک ماه از او را دور کرد و از آنان فاصله گرفت! سپس امر خدا آمد که آنها اختیار کنند صبر بر آن و رضا و عمل به اطاعت خدا و یا اینکه جدا شوند از حضرت.

در روایت ابی‌الزبیر از پیامبر(ص) آمده است که به خاطر همین رفتار زنان، پیامبر برای نماز هم بیرون نیامد!... سپس عمر، حفصه و عایشه را به خاطر رفتارشان با پیامبر سرزنش کرد. طبق روایت عکرمه و قتاده سبب نزول این آیه عائشه بوده و در آن روز نه زن زیر

کفالت پیامبر (ص) بوده‌اند، پنج تا از قریش که عبارتند از: عایشه، حفصه، ام حبیبه بنت ابی سفیان، سوده بنت زمعه، ام سلمه بنت ابی امیه و غیر قریش: صفیه بنت حی، میمونه بنت الحارث الهلالیه، زینب بنت جحش و جویریة بنت الحارث.

در روایت خود عایشه آمده: «وقتی آیه خیار نازل شد رسول خدا (ص) به من فرمود: من می‌خواهم به تو درباره مسئله‌ای تذکر دهم، در جواب تعجیل نکن و با والدین مشورت کن. عایشه گفت آن چه چیز است یا رسول الله (ص)؟ سپس آن حضرت بر عایشه آیه «یا ایها النبی قل لزوجک ان کنتن تردن الحیاة الدنیا و زینتها الی آخر را تلاوت فرمود» و بین طلاق گرفتن و ماندن او را مخیر کرد.

در برخی روایات آمده که بعد از این رفتار زنان، آن حضرت قسم خورد، که یک ماه از آنها جدا باشد. بین اصحاب شایع شد که آن حضرت به زنها طلاق داده است. عمر و ابوبکر پیش رسول خدا (ص) آمدند و اجازه ورود خواستند و آن حضرت سه بار اجازه نداد بالاخره اجازه داد. ۸۳

ابن ابی حاتم (م ۳۲۷هـ) در تفسیرش آورده که این آیه درباره عایشه و ازواج نبی (ص) نازل شده است. ۸۴ عبدالحق اندلسی (م ۵۲۶هـ) هم سبب نزول آیه را رفتار عایشه می‌داند. ۸۵ ابن عربی (م ۵۲۳هـ) روایت صحیح مسلم را آورده که پیامبر (ص) به ابوبکر و عمر اجازه دخول در خانه‌اش را نداد و سپس با اصرار اجازه داد. ابوبکر به طرف عائشه رفت و گردش را گرفت و عمر به طرف حفصه و همین کار را کرد سپس هر دو به عائشه و حفصه گفتند: آیا شما دو تا از پیامبر خدا (ص) چیزی را می‌طلبید که او نداد سپس پیامبر آنها را یک ماه رها کردند و سپس آیه تطهیر نازل شد. ۸۶

ابن عربی (م ۵۲۳هـ) این حدیث را صحیح می‌داند. مانند همین حدیث را سیوطی (م ۹۱۱هـ) آورده و در آن آمده که ابوبکر به سوی عائشه رفت تا او را بزنند... ۸۷

همین طور که معلوم شد آیات زنان به صورت تهدید و یک عکس العمل شدید نازل شده و زنان را بین طلاق گرفتن و یا به صورت اطاعت از خدا ماندن مخیر ساخت. رفتار زنان چقدر آزار دهنده بوده که به خاطر همین رفتار پیامبر خدا (ص) مجبور می‌شود که قسم بخورد و همه زنان را در مدت یکماه رهایشان کند. و حتی برای نماز هم از منزل بیرون

نمی رود و با مردم هم ملاقات نمی کند و سپس حکم خدا می رسد که اگر زنان دنیا و مال دنیا را بخواهند طلاق بگیرند و ماندنشان هم با شرط است که خدا و رسولش و روز آخرت را اگر بخواهند بمانند. سپس زنهارا تهدید می کند: یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مینة یضعف لها العذاب ضعفین . (احزاب/ ۳۰) و همچنین و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الأولى . (احزاب/ ۳۳) لحن آیات عتاب آمیز است. خداوند با لحنی عتاب آمیز با زنان پیامبر (ص) سخن گفته است. در واقع تهدید و سرزنش آنهاست و آنها سبب نزول این آیات شده اند. این آیات با آیه تطهیر هیچ تناسبی ندارند. خداوند در آیه تطهیر با گروهی خاص سخن می گوید. با مدح و ستایش و لحنی حاکی از عنایت و محبت صحبت می کند. در آیه تطهیر عنایت ویژه به اهل بیت شده است، عصمت و طهارت اصحاب کساء از آیه تطهیر به دست می آید. کلمه «انما»، «اذهب رجس» و تطهیر همه نوعی دلالت بر این مطلب دارند. و کاملاً دو زبان متفاوت در این آیات بکار برده شده است. در بین همه روایات تفسیری آیه تطهیر، حتی یک روایت یافت نمی شود که بگوید این آیه به دنبال آیات مربوط به همسران نازل شده است و حتی احدی از مفسرین هم این حرف را نزده است. با توجه به شأن نزول های مختلف آیه تطهیر بدست می آید که آیه تطهیر مختص به اهل بیت (ع) است و هیچ ربطی به ازواج ندارد.

## ۲. نگاهی به سوره حجرات :

دلائل متعددی وجود دارد که همسران به پنج عنوان مصداق آیه تطهیر نیستند. محکم ترین دلیل، روایات شأن نزول آیه تطهیر و آیات زنان بوده است. از جمله شواهدی که در فهم آیه تطهیر کمک می کند توجه به آیات و سوره دیگر قرآن است که بعد از سوره احزاب و اعلام طهارت اهل بیت نازل شده است. از جمله یکی سوره حجرات است. سوره حجرات طبق ترتیب فعلی قرآن چهل و نهمین سوره قرآن است و احزاب سی و سومین سوره قرآن است و خوشبختانه طبق ترتیب نزول قرآن سوره احزاب هفتاد و هشتمین سوره و حجرات هشتاد و نهمین سوره است. <sup>۸۸</sup>

## سبب نزول آیه یازده حجرات :

در آیه یازده سوره حجرات خداوند می فرماید: یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی أن یکونوا خیراً منهم و لا نساء من نساء عسی أن یکن خیراً منهن . (حجرات، ۱۱/۴۹)

این آیه مربوط به نهی از استهزاء و مسخره کردن زنان پیامبر نازل شده است. قرطبی مفسر معروف اهل سنت می گوید:

مفسرین گفته اند که دو نفر از زنان پیامبر ام سلمه (زن دیگر پیامبر) را مسخره کردند، به خاطر لباس مخصوص که به تن داشت و این آیه به خاطر استهزاء و مسخره کردن عایشه و حفصه به ام سلمه نازل شد.

انس و ابن زید گفتند:

این آیه به خاطر مسخره کردن زنان پیامبر نازل شد آنها ام سلمه را به خاطر کوتاهی قد مسخره می کردند. برخی گفته اند: این آیه درباره عایشه نازل شده است که با دستش به ام سلمه اشاره کرد و گفت: ای پیامبر خدا او کوتاه قد است.<sup>۸۹</sup>

سمرقندی، یکی دیگر از مفسرین معروف اهل سنت نقل کرده که این آیه به خاطر سخن عایشه به ام سلمه نازل شده است.<sup>۹۰</sup>

معلوم می شود که آیه تطهیر درباره زنان نیست و گرنه معنا ندارد بعد از اعلام طهارت زنان از هر گونه پلیدی و گناه، زنان دوباره مرتکب معصیت شوند و درباره آنها خداوند آیه نازل کند. استهزاء مومن حرام است و اگر همین فعل را امهات المؤمنین انجام دهند عقابش طبق آیه مربوط به زنان دو برابر است، به علاوه این آیه، تطهیر بهتر و افضل بودن مخاطبان خود را می رساند. در این آیه برخلاف آن بهتر بودن کسان دیگر را از زنان پیامبر (ص) اعلام می کند: عسی أن یکن خیراً منهن. بنابراین آیه که بعد از آیه تطهیر نازل شده به روشنی می رساند که مراد از آیه تطهیر زنان نیستند و چون سبب نزول این آیه زنان بوده است و این آیه مدتها بعد از نزول آیه تطهیر نازل شده است. در آیه تطهیر صحبت از عصمت و طهارت شده و این برخورد منافی آن است و هیچ کس از اهل علم ادعای عصمت زنان نکرده است. برخلاف عصمت و طهارت اصحاب کساء که دهها دلیل معتبر دارد.

### ۳. نگاهی به سوره تحریم:

یکی دیگر از شواهد غیر قابل انکار درباره آیه تطهیر که شمولیت زنان را به شدت رد و نفی می کند سوره تحریم است. سوره تحریم طبق ترتیب فعلی قرآن شصت و هشتمین سوره قرآن است و احزاب سی و سومین سوره است.

سوره تحریم طبق ترتیب نزول نودمین سوره قرآن است و احزاب هفتاد و هشتمین

سوره است. ۹۱

بنابراین سوره تحریم مدت‌ها پس از نزول سوره احزاب نازل شده است و برخی از آیات این سوره در مورد برخی از رفتارهای برخی زنان نازل شده است.

إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرًا. عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُن أَن يَبْدَلَكَ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنِ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا. (تحریم، ۴/۶۶-۵)

سبب نزول:

این آیات به خاطر اذیت و افشای راز پیامبر اسلام (ص) توسط دو نفر از همسران آن حضرت نازل شده و در این مورد روایات فراوانی در کتب معتبر تفسیری و روایی اهل سنت وارد شده است.

و آن دو نفر از همسران پیامبر (ص) را عایشه و حفصه معرفی کرده‌اند. در سبب نزول آیه از عمر بن خطاب به چند طریق روایت نقل شده است.

ابن عباس گفت: «من همواره حریص بودم، از عمر جریان دو نفر از همسران رسول خدا (ص) را که آیه «إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» درباره آنان نازل شده پیروم. تا آن که سالی عمر به حج رفت، من نیز با او حج کردم، در بین راه عمر از جاده منحرف شد (من حس کردم می‌خواهد دست به آب برساند) مشک آب را گرفتم، و با او رفتم، دیدم او در نقطه‌ای نشست، ایستادم تا کارش تمام شد، بعد آب به دستش ریختم تا وضو بگیرد، (و یا دست خود را بشوید). آنگاه گفتم: ای امیرالمؤمنین آن دو زن از زنان رسول خدا (ص) که خدای تعالی درباره‌شان فرمود: «إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» کیانند؟ گفت: این از تو عجیب است، ای ابن عباس، آن دو زن عایشه و حفصه بودند سپس شروع به جریان قصه نمود...» ۹۲

ابن عربی (م ۵۳۴ هـ) در روایتی آورده که «إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا» آن دو زن سوگند به خدا عایشه و حفصه بودند، این دو زن قصد اذیت پیامبر را داشتند...» ۹۳

با توجه به آیات این سوره‌ها و با دقت در سبب نزول آنها و روایات تفسیری، به دست می‌آید که:

۱. برخی زنها که همان عایشه و حفصه بودند اسرار نبی (ص) را فاش کردند: و إذ أسر

النبي إلى بعض أزواجه حديثاً فلما نبأت به . (تحريم / ۳) و چون پیامبر مطلبی را سرّی به بعضی از همسران خود گفت و همسر نامبرده آن سرّ را فاش ساخت ، و فاش ساختن اسرار نبی از گناهان کبیره می باشد .

۲ . در این آیه «إن تتوبا إلى الله» به این دو زن دستور صریح توبه نداده است ، بلکه با «ان» یعنی اگر شما دو زن به سوی خدا توبه بپسندید یاد کرده است . در لحن این آیه تهدید است و در ادامه آیه عتاب و تهدید شدیدتری دیده می شود : «إن تتوبا إلى الله فقد صغت قلوبكما» چون دل های شما (دو تا) منحرف گشته .

۳ . در ادامه با تهدید و عتاب آمیز می فرماید : «وإن تظاهرا عليه» و اگر همچنان علیه پیامبر دست به دست هم بدهید ، باید بدانید «فإن الله مولاة و جبریل و صالح المؤمنین و الملائكة بعد ذلك ظهیرا» بدانید که خداوند مولای او جبریل و صالح مؤمنین و ملائکه هم بعد از خدا پشتیبان اویند .

ضحاک درباره آیه «وإن تظاهرا عليه» می گفت : ادامه بر مخالفت رسول خدا(ص) و اذیتش بدهند . ۹۴

۴ . بعد از اذیت و آزار برخی زنها پیامبر(ص) خداوند در ادامه این تهدید خطاب را مستقیم به زنها می کند :

عسی ربه إن طلقن أن یبدله أزواجا خیراً منکن . امید است پروردگار او اگر او شما را طلاق دهد همسرانی بهتر از شما روزیش کند . و این همسرانی که خداوند بدل از شما به او می دهد . مسلمات مؤمنات قانات تأتبات عابدات سائحات ثیبات و ابکارا ؛ از جهت اسلام ، ایمان ، خشوع و اطاعت ، توبه ، عبادت ، روزه ، بیوه یا باکره از همه این جهات بهتر از این همسران ، همسران دیگر به پیامبر بدهد و زنانی از حیث همه این صفات بهتر از زنان پیامبر موجود هستند .

در این آیه برخی از زنان پیامبر(ص) که همان عایشه و حفصه هستند شأنشان را پایین تر از شأن برخی از زنان مؤمن معرفی می نماید .

با توجه به این آیات و الفاظ مستعمله در آنها بدست می آید که زنان پیامبر قطعاً از دایره مصادیق اهل بیت نبوت در آیه تطهیر خارجند ، زیرا آیه تطهیر مصادیق خودش را دور از هر پلیدی و گناه می داند و بر طهارت مصادیقش اصرار عجیب دارد . و این آیات اعمال

زشت و گناه را از همسران حکایت می کنند .

با توجه به نزول سوره تحریم مدتها بعد از نزول سوره احزاب بدست می آید که مصادیق حقیقی آیه تطهیر فقط اصحاب کساء هستند .

### ب) شواهد روایی و تاریخی

طبق شواهد روایی و تاریخی زنان پیامبر از آیه تطهیر سهمی نداشتند و این امر به روشنی دلالت می کند چنانکه بسیاری از دانشمندان اهل سنت در زیر یکی از آیات مربوط به زنان : و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى . (احزاب/ ۳۳) می نویسند : از مسروق روایت شده است که : «هر وقت عایشه این آیه را می خواند آن قدر گریه می کرد که روسری اش تر می شد» .<sup>۹۵</sup>

زیرا تلاوت این آیه عایشه را به یاد آن واقعه می انداخت که در آن عده زیادی از مسلمین کشته شدند .

آلوسی سپس اضافه می کند که وجه سبب گریه عایشه آن است که روزی پیامبر (ص) به ازواج مطهرات که در آن عایشه هم بوده است فرمودند : «گویا که من می بینم سگ های حوآب بر یکی از شماها پارس می گیرد» .<sup>۹۶</sup> مودودی می گوید : «سبب گریه اش به خاطر خطایی که در جنگ جمل از او سر زده بود» .<sup>۹۷</sup>

قاضی ابو محمد می گوید : گریستن عایشه (رض) به خاطر سفرش در ایام جمل بود که در آن هنگام عمار به عایشه گفته : ان الله امرک ان تقری فی بیتک ؛<sup>۹۸</sup> همانا خداوند به تو امر کرده که تو در خانه ات بمانی .

خوارزمی (۵۶۸ هـ) روایتی را از سالم بن ابی الجعد آورده که پیامبر (ص) خروج برخی زنان خود را متذکر شد و عایشه خندید پیامبر فرمود : بین ای حمیرا آن تو نباشی .

زنان دیگری هم بودند که بر امر خدا اصرار و پایند بودند زیرا همان سوده رضی الله عنها که به آن گفته شد چرا شما از خانه بیرون نمی آید؟

او در پاسخش گفت : «امرنا الله بأن نقر فی بیوتنا» .<sup>۹۹</sup> خداوند بما (زنان پیامبر) دستور داده است که ما در خانه هایمان بمانیم .

در روایت دیگری آمده که به ام المؤمنین سوده (رضی) گفته شد چرا شما به حج و عمره

نمی‌روید، همانطور که خواهران شما (زنان دیگر پیامبر) این کار را کرده‌اند؟ سوده گفت: من حج و عمره کرده‌ام و خداوند به من دستور داده است که من در خانه‌ام بمانم پس سوگند به خدا هرگز از خانه‌ام خارج نمی‌شوم تا اینکه بمیرم (راوی) گفت: سوگند به خدا او از درب اطاقش بیرون نرفت تا اینکه جنازه‌اش را از خانه بیرون آوردند! ۱۰۰

عایشه بر خلاف دستور خدا و رسولش از خانه بیرون آمد و جنگ جمل را بر علیه امام علی (ع) وصی و جانشین پیامبر (ص) به راه انداخت و باعث کشته شدن هزاران نفر از بی‌گناهان شد و هر وقت آیه «و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى» را می‌خواند به یاد خروجهش برای جنگ جمل می‌افتاد و به شدت گریه می‌کرد که چادرش از اشک تر می‌شد. آیا چنین کسی مصداق آیه تطهیر است که خداوند در آن اراده اذهاب هر گونه پلیدی را کرده و پاک و پاکیزه گردانده همانطور که حق پاک کردن و نگهداشتن است؟ حال آن که آن حضرت بارها فرموده بود: انا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم؛ ۱۰۱ هر کس با شما (اهل بیت) جنگ کند با من جنگ کرده است و هر کس با شما صلح کند با من صلح کرده است.

همه این روایات بر عدم عصمت زنان دلالت می‌کند، در حالی که آیه تطهیر و روایات صریحاً بر عصمت و طهارت اهل بیت گواهی می‌دهند و اهل بیت هستند وارث حقیقی شریعت. زیرا به حقیقت شریعت و دین کسی دست پیدا نمی‌کند جز پاکان لایمسه إلا المطهرون. (واقعه، ۷۹/۵۶) و آن پاکان جز اهل بیت کسی نیست و طبق روایات متعدد خود پیامبر اکرم (ص) هم جزء اهل بیت است.

سیاق درونی آیه تطهیر اصحاب کساء را به اثبات می‌رساند و قراین مفصل بیرونی همچون آیات سوره تحریم و... خروج زنان را از آیه نشان می‌دهد در نتیجه آیه عصمت و طهارت حضرت فاطمه (س) و خانواده‌اش را دلالت تمام دارد.



١. محمد بن احمد قرطبي، الجامع لاحكام القرآن، بيروت: داراحياء التراث العربي، ٢٧٣/١٢؛ توفيق ابو علم، فاطمه زهرا (س)/، ١١١، تهران: انتشارات اميركبير، ١٣٦٤ ش.
٢. جلال الدين سيوطي، الثغور الباسمه/٣٤، بطنطا: دارالصحابه للتراث، ١٩٩١ م.
٣. يوسف ابن عبدالبر، الاستعاب، ١٨٩٨/٤، بيروت، دارالجيل، ١٩٩٢ م؛ محي الدين يحيى بن حزم، تهذيب الاسماء/٦١٧، بيروت: دارالفكر، ١٩٩٦ م.
٤. محمود ابوريه، اضواء على السنة المحمديه/٢٣٢، قم: مؤسسه انصاريان للطباعة و النشر، ١٩٩٩.
٥. امين الله كريمي، اهل بيت از ديدگاه اهل سنت/٨٨، ناشر: مؤلف، ١٣٨٠ ش.
٦. محمد آلوسي، روح المعاني، ١٣٨/٣، تهران: انتشارات جهان.
٧. عبدالرحمن بن ابي الحسن السهيلي، الروض الانف، ٢٧٩/١، مصر: مكتبة الكليات الازهرية.
٨. همان.
٩. مهدي هاشمي، فاطمه الزهراء در كلام اهل سنت/٣٢٧، قم: انتشارات حر، ١٣٧٦ ش.
١٠. همان/١١٠.
١١. شخصيت حضرت زهرا (س) در قرآن از منظر تفاسير اهل سنت، پايان نامه كارشناسي ارشد، قم، مركز جهاني علوم اسلامي، ١٣٨٤.
١٢. تفسير الكبير، فخر رازي، ٨٩/٨، بيروت، دارالفكره ١٩٨٥.
١٣. غرائب القرآن، ١٧٨/٢، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٩٩٦.
١٤. همان، ٣٨/٨.
١٥. محمد بن سوره، سنن الترمزي، ٤٦٦/٥، بيروت: دارالفكر.
١٦. حاكم نيشابوري، المستدرک، ١٤٨/٣، بيروت: دارالمعرفه، بي تا.
١٧. احمد طحاوي، مشكل الآثار، ٢٢٩/١، بيروت: دارالكتب العلميه؛ احمد طبري، ذخائر العقبي/٢١، بيروت: دارالمعرفه، بي تا؛ محمد بن جرير طبري، جامع البيان، ٨/١٢، بيروت: دارالفكر.
١٨. جلال الدين سيوطي، الدر المنثور، ٦٠٤/٦، بيروت، دارالفكر؛ عبدالرحمن بن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ٩/٣١٣١، بيروت: المكتبة العربيه، ١٩٩٩ م؛ ابوبكر احمد حصاص، احكام القرآن، ٥٢/٣، مکه: المكتبة التجاربه ٤٩؛ جامع البيان، ٦/١٢.
١٩. احمد مراغي، تفسير المراغي، ٧/٢٤، بيروت: داراحياء تراث العربي، ١٩٨٥؛ الدر المنثور، ٦٠٦/٦.
٢٠. جامع البيان، ١٦/١٢؛ حاكم حساني، شواهد التنزيل، ١١/٢، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بي تا، با کمی تغيير الفاظ الدر المنثور، ٦٠٥/٦.
٢١. اسماعيل بن كثير دمشقي، تفسير القرآن العظيم، ٤٩٢/٣، بيروت: دارالمعرفه، ١٩٨٧.
٢٢. نورالدين هيتمي، مجمع الزوائد، ١٦٩/٩، رياض: مكتبة الرشد، ١٩٩٥.
٢٣. احمد بن مردويه، المناقب، ٣٠٤-٣٠٥، قم: دارالحديث، ١٣٨٠ ش.
٢٤. عزالدين علي ابن كثير، اسد الغايه، ٦٦/٥، بيروت: دارالاحياء تراث العربي، بي تا.

٢٥. الدر المنثور، ٦٠/٦.
٢٦. تفسير القرآن العظيم، ٣/٤٩٢.
٢٧. جامع البيان، ١٢/٦.
٢٨. احمد طبري، همان/٢٥.
٢٩. شواهد التنزيل، ٥٠/٢.
٣٠. مشكل الآثار، ١/٢٣٠.
٣١. محمد بن جرير طبري، همان، ٧/٢؛ جلال الدين سيوطي، همان، ٦/٦٠٤؛ عبدالحق ابن عطية اندلسي، المحرر الوجيز، داراحياء التراث العربي، ٤/٣٨٤، عبدالرحمن شيباني، تيسير الوصول، ٣/١٩٦، بيروت: دارالفكر.
٣٢. عبدالرحمن ابن ابي حاتم، تفسير القرآن العظيم، ٩/٣١٣٣، بيروت: المكتبة العصرية؛ جلال الدين سيوطي، همان، ٦/٦٠٤، محمد بن جرير طبري، همان، ١٢/٨؛ محمد بن سوره، همان، ٥/٤٣٤؛ شعيب الارنؤوط، الموسوعة الحديثية، ٤٤/٣٢٨، ٤٦/٢٦٧، بيروت: مؤسسه الرساله؛ محمد بن جرير طبري، همان، ١٢/٨؛ حاكم حسكاني، همان، ٢/٧٩؛ نور الدين هيثمي، همان، ٩/١٦٦؛ حاكم نيشابوري، همان، ٢/٤١٦ (در تفسير سوره احزاب).
٣٣. ابراهيم جويني، فرايد السمطين، ١/٣٦٨، بيروت: مؤسسة المحمودي؛ احمد ثعلبي، تفسير الكشف والبيان، ٨/٤٣، بيروت: داراحياء التراث العربي؛ اسماعيل بن كثير دمشقي، همان، ٣/٤٩٤.
٣٤. حاكم حسكاني، همان، ٢/٦٧.
٣٥. علي واحدي، اسباب النزول/٢٩٥، رياض: دارالثقافه الاسلاميه؛ محمد بن جرير طبري، خالد عبدالرحمن عك، تسهيل الوصول الى معرفة اسباب النزول/٢٧٤، بيروت: دارالمعرفة ١٩٩٨ م.
٣٦. سليمان قندوزي، يتابع الموده/١٢٧، قم: منشورات مكتبة بصيرتي.
٣٧. ابراهيم جويني، همان/١٢٧.
٣٨. حاكم نيشابوري، همان، ٣/١٤٨.
٣٩. متفي هندي، كنز العمال، ١٢/١٠٥؛ ٢١/٣٤٢، ١٣/٧٠٣، ح ٣٧٨٠٠، بيروت: مؤسسة الرساله، ١٩٨٩ م.
٤٠. محمد بن جرير طبري، همان، ١٢/٨.
٤١. تهذيب التهذيب، ٣/١٠٧-١٠٨، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٩٤ م.
٤٢. يوسف مزي، تهذيب الكمال، ١٨/٥٢٣، بيروت: دارالفكر، ١٩٩٤ م.
٤٣. احمد بن حجر عسقلاني، همان، ١٠/٦٩١.
٤٤. شعيب الارنؤوط، همان، ٤٤/٢١٩.
٤٥. احمد شاکر، احمد حمزه الدين، المسند للامام احمد، ١٨/٢٧٣-٢٧٤، ح ٢٦٦٧٩، ص ٢٥٤، ح ٢٦٤١٩، قاهره: دارالحديث.
٤٦. محمد بن جرير طبري، همان، ١٢/٧.
٤٧. همان.
٤٨. اسماعيل بن كثير، همان، ٣/٤٩٢؛ عبدالرحمن بن ابي حاتم، همان، ٦/٣١٣٢.
٤٩. تهذيب التهذيب، ١١/٩٠.

٥٠. جلال الدين سيوطي، اللثالي المصنوعه، ٣٨١/١.
٥١. محمد بن اسماعيل بخارى، تاريخ الكبير، ٢٢٦/٤، بيروت: دارالفكر.
٥٢. اسماعيل بن كثير دمشقي، همان، ٤٩٢/٣.
٥٣. محمد شوكتاني، فتح القدير، ٣٣٧/٤، بيروت: دارالمعرفه؛ الدر المنثور، ٦٠٣/٦ (نزلت في نساء النبي (ص) خاصة).
٥٤. جلال الدين سيوطي، همان، ٦٠٣/٦؛ شوكتاني، همان، ٣٣٧/٤ (من شاء باهله أنها نزلت في ازواج النبي (ص)).
٥٥. محمد بن جرير طبري، همان، ٨/١٢.
٥٦. جلال الدين سيوطي، همان، ٦٠٣/٦؛ (انما يريد الله... قال: يعني ازواج النبي (ص) نزلت في بيت عائشة رضی الله عنها).
٥٧. اسباب النزول/ ٢٩٥ - ٢٩٦.
٥٨. مقاتل، تفسير مقاتل بن سليمان، ٤٩٨/٣، داراحياء التراث العربي، بی جا.
٥٩. محمد هادي معرفت، التفسير و المفسرون، ٣٤٨/١ به بعد، مشهد: الجامعة الرضوی للعلوم الاسلامیة.
٦٠. احمد ذهبي، ميزان الاعتدال، ٩٣/٣ - ٩٦، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٦١. احمد بن حجر عسقلاني، تهذيب التهذيب، ٢٣٠/٧؛ يوسف مزي، همان، ١٧٣/١٣.
٦٢. يوسف مزي، همان، ١٧٤/١٣ - ١٧٥.
٦٣. حاكم نيشابوري، المستدرک، ١٣٤/٣.
٦٤. خصائص النسائي/ ٥٣، مجمع احياء الثقافة الاسلامیة.
٦٥. شرح نهج البلاغه، ٦٣/٤ - ٦٩، بيروت: داراحياء تراث العربي، ١٩٦٧.
٦٦. احمد ثعلبي، همان، ٤٢/٨؛ ابراهيم جويني، همان، ٣٦٨/١.
٦٧. احمد بن حجر عسقلاني، ١١٠/٦.
٦٨. يوسف مزي، همان، ٦١/١١.
٦٩. همان، ٤٦٣/٥.
٧٠. احمد بن حجر عسقلاني، همان، ١٣٠/٣؛ مجمع احياء تراث العربي، ١٣٠/٣.
٧١. يوسف مزي، همان، ٣٤٧/١٨ - ٣٤٨.
٧٢. احمد ذهبي، ميزان الاعتدال، ١٧٤/٤.
٧٣. همان.
٧٤. همان.
٧٥. يوسف مزي، همان، ٣٤٥/١٨.
٧٦. همان/ ٣٤٨.
٧٧. البحر المحیط، ٢٣١/٧.
٧٨. كتاب التسهيل، ١٣٧/٣.
٧٩. تفسير القرآن العظيم، ٤٩٤/٣.
٨٠. تفهيم القرآن، لاهور، ٩٣/٤؛ ترجمان القرآن ١٩٩٣.
٨١. مسلم بن حجاج نيشابوري، صحيح مسلم، ٢٠٤/١٥.

٨٢. محمد بن جرير طبري، همان، ١٥٦/١١ - ١٥٨.
٨٣. جلال الدين سيوطي، همان، ٥٩٣/٦ - ٥٩٤.
٨٤. تفسير القرآن العظيم، ٣١٢٦/٦ - ٣١٢٨.
٨٥. المحرر الوجيز، ٣٨٠/٤.
٨٦. احكام القرآن، ٥٥١/٣.
٨٧. لباب النقول/٢٣٦، بيروت: دارالمعرفة، ١٩٩٨؛ محمد بن جرير طبري، عبدالرحمن عك، تسهيل الوصول الى معرفة اسباب النزول/١٧٣.
٨٨. محمد عزة دروزه، التفسير الحديث ترتيب السور حسب النزول، ٥/٦، بيروت: دارالغرب الاسلامي، ٢٠٠٠ م.
٨٩. الجامع لاحكام القرآن، ٣٢٦/١٦.
٩٠. تفسير السمرقندي، ٢٦٥/٣، بيروت: دارالكتب العلمية ١٩٩٣ م.
٩١. محمد عزة دروزه، التفسير الحديث ترتيب السور حسب النزول، ٥/٦.
٩٢. محمد بن جرير طبري، همان، ١٦١/١٤؛ الدر المشور، ٢٢٠/٨؛ محمد بن اسماعيل بخاري، ٣٦/٧، بيروت: دارالجيل، بي تا؛ مسلم بن حجاج نيشابوري، صحيح مسلم، ٣٤٤/١٠ - ٣٤٥.
٩٣. احكام القرآن، ٥٥٢/٣، بيروت: دارالفكر، بي تا.
٩٤. محمد بن جرير طبري، ١٦٢/١٦.
٩٥. محمد آلوسي، همان، ١٠/٢٢؛ عبدالحق ابن عطيه اندلسي، همان، ٣٨٣/٤؛ احمد ثعلبي، همان، ٣٤/٨.
٩٦. همان.
٩٧. تفهيم القرآن، ٩١/٤.
٩٨. عبدالحق ابن عطيه اندلسي، همان، ٣٨٣/٤؛ محمد كلي، كتاب التسهيل، ١٣٧/٣، بيروت، دارالكتاب العربي.
٩٩. محمد كلي، همان، ١٣٧/٣.
١٠٠. عبدالحق ابن عطيه اندلسي، همان، ١٦٠/١٢؛ احمد ثعلبي، همان، ٣٥/٨.
١٠١. نورالدين هيثمي، همان، ١٦٩/٩؛ احمد بن مردويه، همان/٣٠٤.